

بررسی محتوایی «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»

دکتر صاحبعلی اکبری^۱ - فاطمه محزومی دوری^۲

دریافت: ۱۳۹۲/۲/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۹

چکیده

علامه حسن مصطفوی، طی ده سال کتاب *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* را به زبان عربی و به ترتیب الفبا در چهارده جلد، به نگارش درآورد. مؤلف در آن، واژه‌های قرآن را بر حسب ریشه کلمات تنظیم کرده و ابتدا توضیحات کتاب‌های معتبر لغت و ادب درباره آن واژه را نقل نموده، سپس در قسمت «والتحقیق»، به بیان نظر خود پرداخته است. در ذیل بسیاری از واژه‌های اعجمی، ریشه آنها را آورده، ذیل هر واژه، آیه و آیاتی را که آن کلمه و یا هم ریشه‌های آن، در آن قرار دارد، احصا کرده است. به فراخور معنی واژه‌ها، شیوه خاصی در پیش گرفته که غالب آن عبارت است از: ارجاع به واژه‌های دیگر، استفاده از آرای دیگران، در نظر گرفتن اصل واحد در همه واژه‌ها، توجه به بحث اشتقاق، علوم بلاغی و صرف و نحو...

کلیدواژه‌ها: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، مفردات قرآن.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد. akbari-s@um.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

قرآن مجید پیامی از جانب خداوند مربوط به سعادت دنیوی و ابدی انسان هاست؛ و آشنایی با این پیام و تدبیر در آن لازم بوده، استفاده از حقایق معارف و احکام قرآن منوط به فهم و درک مفردات آن می باشد؛ از این رو باید نخست در فهم مفردات قرآن کوشید و پس از آن وارد تفسیر شد؛ لذا برای نیل به این هدف، فرهنگ های لغت بسیاری در این زمینه تألیف شده است.

نخستین واژه نامه ها، موضوعات دینی بوده که به قرآن و سنت نبوی مربوط می شده و اولین فرهنگ قرآنی *مسائل نافع بن زروق* است که وی سؤالاتی درباره واژه های قرآن از ابن عباس پرسید و ابن عباس معنای آنها را با استشهاد به شعر جاهلی پاسخ گفت.^۱ در سیرت دوین فهرست معاجم منابع دینی، اولین منبعی که با آن برمی خوریم کتاب *العین* خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۵ ق) است که وی مبتکر فن فرهنگ نویسی بوده است.^۲

و یکی از لغت نامه هایی که در قرن معاصر نوشته شده، کتاب *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* اثر علامه حسن مصطفوی می باشد.

از آنجا که کتاب های مرجع نقش مهمی در فرآیندهای پژوهشی و آموزشی دارند، موضوعی با عنوان «مرجع شناسی» شکل گرفته که به مطالعه در زمینه منابع مرجع می پردازد. یکی از وظایف این رشته، ارائه اطلاعات و نقد و بررسی کتب مرجع از جمله فرهنگ نامه هاست؛ و چون هر نویسنده ای در تألیف خود، روش خاصی دارد و برای استفاده هر چه بهتر از هر اثری، باید با روش آن آشنا بود، در این نوشتار برآن شدیم تا مطالعه دقیقی بر معجم *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* علامه مصطفوی داشته، آن را

۱. خرماهی، بهاء الدین، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، ج ۲، ص ۱۵۷۳.

۲. فاخوری، حنا، *الجامع فی تاریخ الادب العربی*، ص ۱۳۳.

۱- معرفی التحقيق في كلمات القرآن الكريم

۱-۱- معرفی اجمالی

کتاب *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* در چهارده جلد، به زبان عربی و به ترتیب الفبا، یکی از فرهنگ‌های قرآنی است و می‌توان آن را به مثابه دایرةالمعارف قرآنی انگاشت. این کتاب به توضیح و شرح کلمات پرداخته، نوعی تفسیر ضمنی و محتوایی را بر بردارد. و یکی از بزرگ‌ترین فرهنگ‌های قرآنی معاصر است که در سال ۱۳۶۲ ش به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد.^۱

۱-۲- روش کتاب

مؤلف، واژه‌های قرآن را بر حسب ریشه کلمات تنظیم کرده و ابتدا توضیحات کتاب‌های معتبر لغت و ادب را درباره آن واژه نقل نموده، سپس در قسمت «والتحقیق»، نظر خود را بیان کرده است. در ذیل بسیاری از واژه‌های غیر عربی، ریشه آنها را که عبری یا زبانی دیگر بوده، توضیح داده و به همان صورت غیر عربی آورده است. نکته قابل بیان اینکه مؤلف ذیل هر واژه، آیه یا آیاتی را که آن واژه و یا هم ریشه‌های آن، در آن قرار دارد، احصا کرده است.

۱-۳- منابع مؤلف

مؤلف در تدوین معجم خود از کتاب‌های ذیل استفاده کرده است:
العین خلیل بن احمد؛ *التهدیب* ابومنصور ازهری؛ *معجم مقاییس اللغة* ابن فارس؛ *الجمهرة* و *الاشتقاق* ابن درید؛ *صاح اللغة* جوهری؛ *مصباح اللغة* فیومی؛ *اساس البلاغه* و *الفائق*

۱. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، *طبقات مفسران شیعه*، صص ۹۹۵-۹۹۶.

زمخشری؛ *لسان العرب* ابن منظور؛ *مفردات* راغب اصفهانی. همچنین از کتب *فروق اللغة* عسکری، *الافعال* ابن قطاع، *کلیات ابوالبقاء*، *المعرب من الکلام جوالیقی*، *فقه اللغة* ثعالبی و *قوامیس عبری*، و از کتب اشتقاق، اعراب و ادب مانند *ادب الکاتب*، *کافیہ*، *شافیه*، کتب زمخشری، *الکتاب سیبویه* و نظیر آنان خصوصاً در اشتقاق از کتاب *الاشتقاق والمقالات* علامه تبریزی، عهدین و *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن* محمدفؤاد عبدالباقی.^۱

۱-۴- ویژگی های خاص التحقيق

۱-۴-۱- استفاده از آراء دانشمندان؛ در موارد استفاده از منابع، عین کلمات و جمله‌ها را نقل کرده و نقل آنها بنا بر مقدار نیاز و بدون تغییر بوده است. برای اختصار از هر کتاب به رمز خاصی یاد شده که قبل از استفاده از این معجم باید با این اسامی اختصاری آشنا شویم، مؤلف این علائم را در آخر جلد نخست بیان کرده است که بعضی از آن‌ها عبارتند از:

اس: اساس البلاغه زمخشری؛ فر: فرهنگ عبری به فارسی، از سلیمان حییم، الفروق؛ فروق اللغویة ابن هلال عسکری؛ مق: معجم مقایس اللغة ابن فارس؛ قم: قاموس کتاب مقدس، از مسترهاکس؛ لس: لسان العرب ابن منظور؛ ومف: مفردات فی غریب القرآن راغب...^۲

۱-۴-۲- مرحوم مصطفوی برای سهولت قرائت واژه‌های غیرعربی که در زیر آن‌ها واژه را به زبان و الفبای اصلی آن نوشته، الفبای واژه‌ها در زبان‌های فرانسه، عربی، سریانی، عبری، لاتین، یونان و رومی را در آخر جلد اول با عنوان «الفباء فی اللغات» آورده است.

۱-۴-۳- استفاده از واژه‌های فارسی؛ یکی از ویژگی‌های این معجم که تقریباً در هیچ یک از معجم‌های عربی مشاهده نمی‌شود، استفاده از معادل‌های فارسی بعضی واژه‌ها می‌باشد؛ مثلاً ذیل واژه «رجا» به آیه ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا﴾

۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۱، ص ۱۰-۱۱.

۲. همان، ص ۳۹۳-۳۹۴.

(نور/ ۶۰) استناد کرده و سپس گفته: القواعد، زنانی که از فعالیت و انجام وظایف زناشویی بازنشسته باشند، و در فارسی از آن با کلمه «بازنشست» تعبیر می‌شود. و النکاح: ازدواج، که در فارسی تعبیر به کلمه «زناشویی» می‌کنند.^۱

۲. روش کار در کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»

۲-۱- ارجاع به واژه‌های دیگر

روش مؤلف در نگارش *التحقیق* همانند روش علامه طباطبایی در تفسیر *المیزان* می‌باشد که برخی واژه‌ها را با توجه به آیاتی که ذیل واژه آورده، بیان کرده و در جای مخصوص آن واژه به قسمت مورد نظر ارجاع داده است:

* در واژه «أَبَقَ» با توجه به آیه: ﴿وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ﴾ (صافات / ۱۳۹-۱۴۰)، به واژه «یونس» ارجاع داده است.^۲

* خضد: در آیه ﴿فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ * وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ﴾ (واقعه / ۲۸-۲۹)؛ مراد از مخضود، خمیدگی و دولا شدن آنهاست به گونه‌ای که باعث زیبایی شده، چیدن میوه را آسان می‌کند. به ماده «سدر» مراجعه کنید.^۳

۲-۲- بیان آرای دیگر اندیشمندان

در *التحقیق*، نویسنده در ابتدای هر واژه، آرای دیگران را آورده که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم:

* لسا: «خساً»؛ سگ‌ها و خوک‌ها و شیطان‌های دور شده؛ و خاسی به معنی مطرود است. خساً الکلِب، او را طرد کرد.^۴

۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۴، صص ۷۹-۸۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۴.

۳. همان، ج ۳، ص ۷۳.

۴. همان، ج ۳، ص ۵۱.

* **مقا:** «جرز»، اصل آن به معنی قطع است. أرض جزر، زمین بدون گیاه، گویی گیاهش قطع شده است.^۱

۲-۳- بیان اصل واحد برای هر واژه

در این واژه‌نامه که براساس مواد اصلی کلمه تنظیم شده، مؤلف برای هر واژه فقط یک ریشه در نظر گرفته و حتی در ابتدای کتاب، ذیل عنوان کتاب نوشته است: «بیحث عن الاصل الواحد فی کل کلمة...».

* در واژه «حلق» گوید: ریشه این ماده یکی بوده و آن از بین بردن شیء زاید و قطع کردن مواز ریشه می‌باشد.

به تناسب این معنا، بر محل ذبح حیوان اطلاق شده و آن را «حلق» گویند. صیغۀ مزید آن، یعنی «حلقوم» دلالت بر امتداد حلق دارد.

همچنین به تناسب معنای اصلی اش که از بین بردن مومی باشد، بر کوه و مکان مرتفعی که خالی از گیاه باشد، گفته می‌شود.

«حلقه»، عبارت است از قطعه‌ای از زنجیر که مانند حلق، به شکل دایره است.^۲ نیز به این معنی، «حلق القوم» و «حلقه الباب» اطلاق می‌شود. و به این اعتبار گفته می‌شود: «حلق الطائر»؛ یعنی پرنده در پرواز اوج گرفته و مانند دایره دور زد.^۳

۲-۴- بیان فروق اللغة

فروق اللغة، درباره‌ی واژه‌های متقارب المعانی که در اصل معنا یکی بوده در جزئیات آن متفاوت اند، بحث می‌کند.^۴

۱. همان، ج ۲، ص ۷۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۷۰.

۳. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۲، ص ۲۷۰.

۴. عسکری، ابوهلال حسن بن عبدالله، *الفروق اللغویة*، مقدمه.

مرحوم مصطفوی بعد از بیان واژه‌های مترادف، به بحث فروق اللغه پرداخته است: * واژه «أبق» و «هرب» را در معنای «رفتن بدون اذیت» مشترک می‌داند، با این تفاوت که در «أبق»، قید دیگری وجود دارد؛ «أبق»، هرب و فرار است قبل از آنکه ترس و عقوبتی از جانب مولا متوجه بنده شود.^۱

۲-۵- توجه به بحث اشتقاق

اشتقاق؛ یعنی، کلمه‌ای از کلمه دیگر ساخته شود.^۲ علامه مصطفوی در مقدمه کتاب خود، اشتقاق را به انواع مختلفی تقسیم کرده است:

۲-۵-۱- اشتقاق صغیر یا اصغر؛ مانند اشتقاق افعال و صفات از مصدر.

۲-۵-۲- اشتقاق کبیر: اشتقاق واژه «أسن» با «أفن»، «أجن» و «عفن».^۳

۲-۵-۳- اشتقاق اکبر: اشتقاق «سنا» با «سنو»، «سنن» و «سنه».^۴

۲-۵-۴- اشتقاق انتزاعی: رجلیه.^۵

۲-۶- توجه به علوم بلاغی

علامه مصطفوی ذیل اکثر واژه‌ها، ضمن آیاتی که به عنوان شاهد مثال ذکر کرده، به جنبه بلاغی آیات نیز اشاره نموده است؛ از جمله:

۲-۶-۱- ترادف: «ثبط»، معنای ثبوت و محدودیت قلبی، در این کلمه محفوظ است، و معانی واژه‌های «حبس، توقیف، سستی، ثقل، ثبوت، قعود و ملازمه»، در آن

۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۱، ص ۲۴.

۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصاحح*، ج ۴، ص ۱۵۰۳.

۳. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۱، صص ۸۹-۹۰.

۴. همان، ج ۵، ص ۲۴۲-۲۴۳.

۵. همان، ج ۳، ص ۳۶۰.

وجود دارند.^۱

۲. ۶. ۲. کنایه: «حنجر» مأخوذ از «حجر» است، و حجر عبارتست از محفوظ و محدود. و در آیه ﴿وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ﴾ (احزاب / ۱۰)؛ رسیدن قلب به حنجره، «کنایه» از رسیدن زندگی به آخرین مرحله خود است که بعد از آن (مردن) جز فضای فراخ و خروج از محدودیت و رهایی نفس از تنگنای دنیوی چیز دیگری وجود ندارد و پرواضح است که در رسیدن قلب به حنجره، یک احساس تنگی و شدت درد عارض می‌شود و علی‌رغم اینکه به آخرین مرحله از زندگی می‌رسد، نفس احساس خفگی و محدودیت می‌کند.^۲

۲-۷- توجه به علم صرف و نحو

* رفی: ﴿بِئْسَ الشَّرَابُ وَ سَاءَتْ مُرْتَفَقًا﴾ (کهف / ۲۹)؛ «ارتفاق» باب افتعال بوده و بر مطاوعه و اختیار دلالت می‌کند؛ یعنی انتخاب نرمخویی و سازگاری و «مرتفق» اسم مکان است؛ یعنی، آتش بد جایگاهی است از جهت انتخاب محل استراحت. در آیه ﴿وَيَهَيِّئُ لَكُم مِّنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا﴾ (کهف / ۱۶)؛ «مرفقاً»، اسم آلت و وسیله نرمی و سازگاری است.^۳

۲-۸- توجه به واژه‌های معرب

معربات، واژه‌های غیرعربی هستند که در زبان عربی وارد شده و با آنها از لحاظ وزن و اشتقاق معامله لفظ عربی می‌شود.^۴

نویسنده در این کتاب، اصل واژه‌های معرب و زبان اصلی آنها را ذکر کرده است:

۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، صص ۸-۹.

۲. همان، ج ۲، صص ۲۹۱-۲۹۲.

۳. همان، ج ۴، ص ۱۸۸.

۴. تونجی، محمد، المعرب والدخیل فی اللغة العربیة وادابها، ص ۱۳.

* «رَس»: مأخوذ از کلمه «أراكسيس» یا «آراکس» یونانی است. یا واژه‌ای عربی از ماده «رَس» به معنای نفوذ و تثبیت می‌باشد.^۱

* «زرب»: «زرب - زرابیه - زرابی» مأخوذ از لغت فارسی «زربفت» به معنای بافته شده از الیاف طلایی، یا از کلمه «زریاب» به معنای گیاه یا هر چیز زرد، و یا برگرفته شده از «زردیاب» به معنای یافتن زردی می‌باشد.^۲

۳. اشکال‌های وارد بر «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» و پاسخ آن‌ها:

۳-۱- با اینکه شیوه کار نویسنده بدینصورت است که ابتدا نظر دیگران را ذکر کرده، سپس نظر خود را تحت عنوان «التحقیق» می‌آورد؛ اما در چند مورد در اثنای نظر خود، دیگر منابع مورد استفاده را ذکر می‌کند. از جمله ذیل واژه «میم» در ضمن بحث التحقیق نوشته:

* قال فی الفروق ۱۰۲- فرق تیمم و اراده: اصل تیمم «تأمم» و به معنی قصد چیزی کردن از جلو و مقابل است، لذا خداوند با این تعبیر و وصف نمی‌شود زیرا جایز نیست خداوند به چیزی وصف شود که از جلو یا پشت سر به آن توجه می‌شود.^۳ البته احتمال دارد عدول از روال عادی تحقیق ذیل امثال این واژه، به این علت باشد که به تناسب بحث فروع اللغه که مطرح کرده، مطلب این منبع را نیز در آنجا ذکر کرده باشد.

۳-۲- این اثر به ترتیب الفبا جمع‌آوری شده، اما بر خلاف ترتیب الفبا، حرف «غ» قبل از حرف «ع»، و حرف «هاء» بعد از حرف «میم» و قبل از حرف «نون» آمده است.

* بهترین توجیهی که در این مورد می‌توان بدان اشاره کرد اینست که: واژه‌هایی که با حرف «عین» شروع می‌شوند بیشتر از واژه‌هایی هستند که با حرف «غین» آغاز می‌شوند، و همانطور که در جلد هفتم و هشتم این کتاب می‌بینیم حرف «غین» را به دلیل کم بودن

۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۲۸.

۲. همان، ج ۴، ص ۳۲۱.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۲۶۷.

واژه‌هایش در ادامه حروف «طاء» و «ظاء» و در همان جلد آورده، و حرف «عین» را به جهت زیادی لغات در جلد جداگانه‌ای آورده است.

نتیجه

از بررسی معجم *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* در می‌یابیم این کتاب یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین فرهنگ‌های قرآنی و به تعبیری «تفسیر محتوایی و ضمنی» قرآن کریم است که همه کلمات قرآن بر حسب ریشه اصلی آن، به طور مفصل در این کتاب بررسی شده‌اند.

علامه مصطفوی در این معجم برای هر لغت، فقط یک ریشه و ماده اصلی و به تعبیر خود ایشان «اصل واحد» در نظر گرفته که این امر ارزش کتاب را چند برابر کرده است، در حالی که بیشتر معجم‌نگاران از جمله ابن فارس در *معجم المقاییس* خود برای هر واژه یک، دو، سه و در برخی موارد چهار ریشه در نظر گرفته‌اند، که این نکته، دقت نظر و تسلط مرحوم مصطفوی بر واژگان عربی را می‌رساند.

امتیاز دیگر این کتاب نسبت به دیگر معاجم این است که در آن مؤلف علاوه بر معلومات خود، از نوشته‌های دیگران نیز در این حوزه غافل نمانده و بهره لازم و کافی را برده است؛ این در حالی است که مرحوم مصطفوی امانت را رعایت نموده به نام این کتاب‌ها به صورت اختصار و با علائم خاصی اشاره کرده و در پایان جلد اول نام کامل کتاب‌ها را آورده است. و دیگر اینکه به بحث معربات و واژه‌های دخیل در قرآن توجه ویژه نموده است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. تونجی، محمد، *المعرب والدخیل فی اللغة العربیة وآدابها*، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۲۶ق.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ *الصاحح (تاج اللغة وصاحح العربیة)*، تحقیق و تصحیح احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، بی تا.

۴. خرمشاهی، بهاء‌الدین، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، دوستان [و] ناهید، تهران، ۱۳۷۷ش.
۵. عسکری، ابوهلال حسن بن عبدالله، *الفروق اللغویه*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱ق.
۶. عقیقی بنخشایشی، عبدالرحیم، *طبقات مفسران شیعه*، نوید اسلام، بی‌جا، ۱۳۸۲ش.
۷. فاخوری، حنا، *الجامع فی تاریخ الادب العربی*، دارالجلیل، بیروت، ۱۹۹۵م.
۸. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ش.